

بقلم اشراق خاوری (نظام تمدن و اجتماع در فرانسه)

در یکی از شماره‌های مجله مشهور الهلال مقاله در تحت موضوع مزبور بقلم فاضل فقید جرجی زیدان در چند سال پیش بواسطه توافق و ملائمت و نتیجه که از مطالب و مندرجاتش بتوده مصر و مملکت عربیه میرسیده انتشار یافته است. سالها از انتشار این مقاله گذشته و خطه مصر با قدمهای سریع بذروه ترقی متوجه و جز مرحله مختصری تا سر منزل مقصود فاصله ندارد. مقالات آتشین که بقلهای آهین نویسندهکان معروف آن سر زمین نگاشته و منتشر میشد ملت عرب را بکاروان تمدن رسانید اکنون آن جامعه چندانی از سایر اراضی متمدنه دور نیست.

ایران باستان هم بر حسب ناموس و قاعده مسلمه تقدم و ارتقا عاقبت باعلی ذروه ترقی خواهد رسید و رشک ممالک جهان و مسجد اهل عالم و قبله ممالک خواهد کردید نهایت باید وسائل تسریع حصول این مأمول را فراهم نمود و بوسیله انتشار حقایق و خرق استار اوهام و کشف حجات ظنون قابو را متوجه ترقی و نفوس محتجبه را باصل مقصود آگاه نمود. اینکار مخصوص به منفکرین نوع دوست و نفوس مقدسه وجدان پرستی است که سر زمین مقدس ایران از آنها خالی نبوده و نیست. نویسندگان ماهر در عوض انتشار مطالب لاطائل و سخنان بیغز و بوج که از منبع حب شهرت و حسن احوثه بیسوادان بر میخیزد باید با کمال جدیت دامن همت بر کمر زده و با انتشار مطالب مفیده و ترجمه مقالات و سخنان بزرگان اراضی متمدنه قیام نمایند و اقدام فرمایند و گرنه در نزد معبود حقیقی مسئول و در پیشگاه سلطان وجدان و نوع پرستی مقصر و مواخذند زیرا ناینارا در پرتگاه نگرینستند و بقول سعدی خاموش نشسته و در زمره گناهکاران

درآمدند. بحمدالله در این دوره بر اثر الطاف و برکات و خدمات صمیمانه منجی ایران و ایرانیان و در ظل عدالت و سایه عنایتش دست تعرض هواپرستان از دوستداران و مریبان عالم بشری کوتاه شده و موانع عمده ترقی و پیشرفت مرتفع گردیده و این راد مرد بزرگ با نهایت جدیت بترقی و تعالی خطه باستان اقدام فرموده دیگران نیز باید باندازه تاب و توان خود بمفاد (الاناس علی دین ملی کهم) از همراهی و ایجاد اسباب سرعت حصول ترقی کوتاهی ننمایند و اقصر خطوط موصاه بسرچشمه تمدن واقعی را بمات بیچاره و جامعه ستمدیده ایران که سالها در چنگال ظلم و جور هواپرستان خودخواه دچار بوده و اینک چندیت که در ظل توجهات سلطانت عادل خود از هر خطری مأمون و از هر حادثه مصون اند بنمایند و دست انهارا گرفته از راه راست علم و دانش و صراط مستقیم رفع اوهام و خرافات بأشور نورانی حقیقت و بزرگواری برسانند متون مجلات و ستونهای جرائد را بمطالب سودمند و طرز رفتار و شرح کردار مال متمدنه بیارایند. باری چون مقاله مزبوره برای حال امروزه ایران و ایرانیان مفید بود لذا این بنده (اشراق خاوری) بترجمه آن پرداخته و بوسیله مجله محترم ارمغان که بقلم نویسندگان معروف ایران آراسته و مزین است در نظر ارباب بینش قرار دادم، اگر چه نگارنده اصلی خلاصه مقاله خود را در آخر ذکر کرده ولی، بمناسبت آنکه قارئین محترم بطور مقدمه از مندرجات آن باخبر شوند ابتدا خلاصه انرا ذکر کرده و سپس بنگارش ترجمه انمقاله میپردازیم،

(خلاصه)

در مملکت فرانسه و سایر بلاد اروپا اخلاق و عادات نیکوئی موجود است که ما باید برای پیشرفت خود آنها را اقتباس کرده و بر آن و بتره رفتار کنیم، و نیز صفات ذمیمه و رفتارهای زشتی در آن صفحات مشهود است که باید ما

از آنها اجتناب ورزیده دوری نمائیم .

اخلاق حسنه که اقتباس آن بر ما لازم است بقرار ذیلست :

- ۱- شناختن و پی بردن بتکالیف لازمه خود
- ۲- حفظ اوقات و وفای بعهد
- ۳- تهذیب اخلاق افراد ملت بوسیله تربیت صحیح
- ۴- تربیت و تعلیم نسوان و آراستن آنها بفضائل
- ۵- سعی در ترقی و فراهم آوردن لوازم تعلیم و آداب
- ۶- کار و کوشش

مهمترین صفات رذیله که در ارضی متمدنه موجود و ما باید از آن احتراز کنیم تا بمقصود اصلی فائز گردیم از اینقرار است

- ۱- افراط در آزادی و استعمال آزادی در غیر محل
- ۲- در رشته تربیت و تعلیم آن مقدار را اخذ نمائیم که با عادات ما مناسبت دارد یعنی باید از چیزهائی که مخالف باحشمت و بزرگواری شرقست خود داری نمائیم

۳- سستی و سهل انگاری در دیانت و اظهار کفر و لامذهبی زیرا این مسئله چنانچه در سابق هم گفته ایم مهمترین وسائل خرابی و بزرگترین عامل ویرانی و عدم ترقی شرق است .
خلاصه که در آخر مقاله نگارنده آن آورده بود با تمام رسید اینک بترجمه اصل مقاله که در شرح همین اصول مذکوره است مبادرت مینمائیم .

(نظام اجتماع در فرانسه)

نظام اجتماع یا رشته تمدن در تمام بلاد و عموم ممالک از حیث واقع و نظر با اساس و حقیقت یکی بیش نیست لکن بر حسب اختلاف زمان و ممالک و طوائف

اختلاف به حقیقت واحده نظام اجتماع طاری و عارض می گردد .

بسیطترین حالات هیئت اجتماعی از عائله و حکومت و معبد (کلیسیا یا مسجد) تألیف می یابد و چون باین هیئت بسیطه اندک اثر ترقی و نشو و دست دهد مدارس و مجامع ادبی و شرکتهای تجارتهی افزوده گشته و مطابق ازدیاد آثار تمدن و ترقی و مجامع و شرکتهای نیز رو به ترقی و ازدیاد خواهد گذاشت . و این امور در هر سرزمینی با افکار و طبایع اهالی و ساکنین آن سرزمین ملایمت و توافق دارد فی المثل قضیه حکومت و نظام دولت در جایی بطور استبداد و در نقطه بطرز مشروطه و در کشوری بشکل جمهوریت . هم چنین قضیه عائله و نظام خانواده در شرق طوریت و در غرب طرز دیگری . و نیز طرز نظام عائله غربی فی المثل در این دوره با دوره های سابق فرق بسیار دارد و همین طور در شرق .

زیرا تا اوائل قرن نوزدهم قانون و نظام عائله و خانواده در مملکت ما (دیار مسر) شکل ملکیت مطلق بخود گرفته بود . پدر رئیس خانواده محسوب میشد و مانند پادشاه خونخوار مستبدی که نسبت بر عیت بی چاره خود جور و جفا پیشه کند رئیس عائله نیز بمراتب شدیدتر و سخت تر رفتار می نمود . هر کس را بهر کس می خواست بیوند می داد و هر که را میل داشت برای انجام هر کار چه آسان و چه مشکل چه در سفر و چه در حضر معین می نمود . عموم افراد آن عائله نیز با کمال خضوع و استکانت او امر صادره از رئیس مطاع خود را انجام داده و این رفتار نظر بشیوعی که داشت بنظر هیچکس غریب و مایه تعجب و شکفتی نبود (چنانچه اکثر خانواده های ایرانی هنوز بهمین درد مبتلاست) مترجم

پس از چندی که مدنیت تازه بساط سابق را بهم زد نظام عائله نیز از تحت فشار استبدادی بیرون آمده و بنظام مشروطه مانندی بسیر خود ادامه داد اگر چه باز هم بکلی آثار استبداد و حاکمیت مطلقه از نظام خانوادگی پای بیرون

تهاده و بقول معروف يك آب شسته ترشده است و بدیهیست كه این قسمت هم بر حسب اختلاف طوائف وادیان و طبایع و عادات مختلف و متفاوتست ، از آنجائیکه طبایع اقالیم و ممالک و حالات و عادات را در ابدان و افکار و طبایع افراد بشر تأثیر شدیدی موجود است و اختلاف اقالیم در اولین مرتبه سبب حصول اختلاف در بین امم و طوائف می باشد از اینرو مجعلا قسمتی راجع بطبایع ملت فرانسه نگاشته آنکاه بشرح موضوع می پردازیم .

(طبایع فرانسویها)

فرانسویها غالباً باشجاعت و مردانگی کاملی روی بکار آورده و بانهایت نشاط و خوشدای افعال و اعمال خود را انجام داده و هیچوقت از کار خسته نمیشوند ، خصوصاً زارعین فرانسوی که دارای بدنهای قوی و صحت کامل میباشند و بانهایت شادمانی و سرور در مزارع و ضیاع و عقار خویش بکار زراعت اشتغال دارند ، در تمام ممالک فرانسه قطعه زمینی پیدا نمی شود که قالی کشت و زرع باشد و معطل زبی حاصل مانده باشد ، هم چنین کارگر و صانع و سایر طبقات ملت فرانسه در جمیع حالات آنها از رفعت و آمد و کفتر و کردار و سفر و غربت نشاط و چالاکی و خوشی و شادمانی ظاهر و آشکار است ،

شخص فرانسوی فی المثل از قطار آهن پیاده شده جامه دان خود را بدست می گیرد اگر منزلش نزدیک باشد پیاده می رود بدون آنکه از حمل جامه دان خود عاری داشته باشد ؛ و اگر در بین راه هم آدم بیکار یا کوچه گردی بخواهد پیدا کند که بار او را بمنزلش برساند پیدا نخواهد کرد از این رو مجبور است خودش باین عمل اقدام کند و جمیع اهالی اروپا در این قسمت شرکت دارند نه آنکه اختصاص به بعضی داشته باشد ؛ یکنفر از ممالک ما بمحض اینکه پایش بزمین آن ممالک برسد و بمجرد اینکه وارد آن محیط شود رغبت و همتمی سر

تابای او را فرو می گیرد و نشاط و چالایی در کار او را نیز احاطه می کنند ولی اینمعنی تاوقتی است که در آن صفحات اقامت و توقف دارد زیرا چون بمملکت خود برگشت بطبیعت و حالت اولیه خود عود کرده وباصطلاح معروف همان آش خواهد بود وهمان کاسه : مکر مدت زمانی در اروپا بسر برد بطوریکه نشاط واقدام در کار وخسته نشدن از شغل وغیره عادت وطبیعت ثانوی او گردد : ظهور این صفات در اهالی آن محیط منوط بطبیعت اقلیم آنست يك نفر فرانسوی را اگر بدیده تحقیق تماشا کنیم هوشیاری ، روشن فکری ، حاضر الذهنی ، فصاحت ، خفت روح اشتیاق وتمایل بفنون جمیله « از قبیل موسیقی وشعرونقاشی » ذوق ومیل بصنعت وکاررا درسراپای او باخطوط برجسته ودرشت خواهیم خواند .

﴿ زینت و جمال ﴾

فرانسویها درزینت و آرایش ذوقی مخصوص دارند که در هیچ طایفه و ملتی نظیر آن دیده نشده است خصوصاً اهالی پاریس که دراین قضیه راهنما ومقتدای سایرین می باشند اگر چیزیکه ظاهراً دارای زینت وجمال نیست بدست يك نفر فرانسوی بیفتد بقوه ذوق خود اجزاء او را چنان پهلو می هم قرار میدهد وچنان آرایش وجمالی در آن ایجاد و تولید می نماید که بوصف نیاید ، هرچه فکر کنیم عاملی برای این کار بغیر از ذوق ولطافت فکر نخواهیم یافت .

اینمسئله چنانچه گفتیم درپاریس بتمام وکمال موجود است . زن بدترکیب زشت خاقت باذوق مخصوصی که دارد آنطور اندام خود را می آراید وگیسوان خود را مرتب ومنظم می کند که کمال تناسب را با آثار وملامح رخسارش داشته ونهایت جمال وخوشروئی را درخود ایجاد می نماید طرز بافتن وترتیب دادن گیسوان واختیار کردن کلاه از حیث شکل ورنک بر حسب

اختلاف رنگ چهره و شکل بینی و تلوین چشم و پیشانی و دهن و غیره اختلاف بسیار دارد ممیز و انتخاب کننده هر چیزی موافق و ملایم بامقام و اندام فقط ذوق لطیف فرانسوی است زیرا بقوه لطافت فکر خود را زینت داده و اندام خود را آنگونه میاریند که فاقد جمال رارشک - ربات حجال می سازند و نیز در خوش صحبتی و شیرین سخنی بی مثل اند زیرا این قسمت هم از جمله جمال و آرایش خارجی بشمار است همانطوریکه بواسطه زینت و آرایش عظیم الجمال را غیرت پری می نمایند گفتار و بیان خود را نیز موافق فکر و ذوق مخاطب خود قرار می دهند و خود را در نظر او محبوب می سازند . خلاصه فرانسویها آن اندازه که به زینت و جمال و آراستگی ظاهر علاقه بخرج می دهند به اتقان و جمال باطن علاقه مند نیستند بخلاف اهالی انگلستان چنانچه در ضمن مقاله بآن اشاره خواهیم کرد از جمله دلائلی که برای وجود ذوق و لطف فاکره در مردم فرانسه می توان اقامه کرد آنستکه اطاقها و منازل و خیابانها و دکا این خود را چنان آرایش می دهند که باعث جلب توجه و موجب تحسین و مدح است یعنی مردم فرانسه دارای وبضاعت خود را بیش از آنیکه هست در نظرها جلوه می دهند مثلاً اگر دکان کوچکی داشته باشد دیوارهای او را بآینه می پوشاند تا چند برابر بزرگتر جلوه کند و نیز اطراف قفسه ها و جعبه ها را آینه میچسباند تا مشتری امتعه او را چند برابر خیال کند ، اینها همه دلیل بر وجود ذوق سرشار و حب جمال در ملت فرانسه است .

﴿ اقتصاد و ترتیب ﴾

اهالی فرانسه طبیعتاً مقتصدند خصوصاً مردم دهات فرانسه بیشتر حافظ جنبه اقتصادند اشخاصی که یا کمزرعه کوچک مثلاً دارند بانهایت بساطت زندگی می کنند ، برزگر کار می کنند ، زوجه اش کار می کند ، اطفالش هر کدام مطابق قوه و توانائی خود مشغول کارند ، دخل و درآمدشان هر چند کم باشد باز

قسمتی از آن را برای روز سختی ذخیره می کنند ، دردهات بعکس اهالی شهر
 فرش و لباس ساده و بسیط را بکار انداخته و می پوشند بکنفر زارع فرانسوی از
 حیث لباس و اخلاق در نهایت درجه بساطت و بی آلاچی است و هر چند فقیر و
 تنگدست باشد نهایت نظافت را در لباس و رختخواب خود مرعی داشته و با کمال
 شوکت و وقار و ترتیب و نظافت بر سر میز غذا می نشیند ، چندان در صفت پاکیزگی
 و نظافت دقت ندارند که اگر شخص خارجی در منزلش وارد شود با همه بساطت
 و سادگی که در آن منزل مشاهده می کند از نظافت و پاکیزگی صندلیها و سلیقه و
 ترتیب در طعام و شراب و نظافت ظروف و غیره لذت می برد ، برعکس زارع مصری
 که بکلی با اصول نظافت و ترتیب و اقتصاد بیگانه است و از سراپای آنها کثافت
 و پریشانی و بی مبالائی می بارد این بدبختی را نمی توان اصلاح کرد و این
 پریشانی را از میانه زارعین نمی توان دور ساخت مگر بوسیله تعلیم و تربیت زنان
 زیرا آنها مدبر و پایه ایجاد اقتصاد و ترتیب و نظافت میباشند در صورتیکه دارای
 علم و دانش باشند .

« ناتمام »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

غزل

مگر امروز صبارا گذر از کوی تو بود کز نفس مشک فشان چون سرگیسوی تو بود
 ناصح از عشق نکویان دل رسوای مرا پند میداد و نهانش نظری سوی تو بود
 ای خوش آنشام که دیوانه دلم تا بسحر راز عشقش همه با سلسله موی تو بود
 رندی و دل شکنی کار من و شیوه تو عشق و بیدادگری کیش من و خوی تو بود
 بلبل طبع من این گونه سخن بردازی زان یام بوخت که شیدای گل روی تو بود

شد نجاتی همه جا شهره بشیرین سخنی

که حدیثش همه از لعل سخن کوی تو بود (نجاتی)